



شرحی بر کلماتی که انگار در مسیر تطور، یخ زده اند

فسیل واژه ها



روزنامه نگار و خراسان پژوه

واژه ها، سنگ هایی را می مانند که در مسیر خروشان رودخانه ها، پیوسته در جریان هستند. جریان مداوم، سنگ ها را می ساید از شکلی به شکل دیگر بدل می کند. برای این سایدگی البته می توان قواعدی هم جست وجو کرد، چنان که مثلا حروف قریب المخرج به یکدیگر بدل می شوند. درست از همین منظر است که در گویش های خراسانی، «افسانه» به «اوسنه» تبدیل می شود و «دیوار» به «دیفال»، در فرایند این تحول و تطور، گاه از یک واژه، دو شکل متفاوت حاصل می شود و هر کدام واژه ای می شوند مستقل، چنان که مثلا می دانیم «چُفک» و «چکاوک» دو شکل متفاوت از یک واژه هستند، نیز «فرشته» و «پرستو» و ... در این میان البته برخی واژه در برخی از موقعیت ها، دچار ایستایی می شوند و انگار که در یخچالی دائمی، یخ زده باشند، سالم و دست نخورده می مانند. مثلا «آشتر خجُو» را ببینید. «آشتر» که همان شتر است، اما «خجُو» چیست؟ خجُو یک واژه تقریبا فریده است به معنی «صدای آهسته»، یا «صدای گنگی که به زحمت شنیده می شود»، واژه ای که حضرت دهخدا در لغت نامه گران سنگش آن را به صورت «خجاو» ثبت کرده است و این بیت «سراج الدین راجی، را هم شاهد آورده است:

چو بانگ خجاو آید او را بگوش/ز بس هببت از مغزها رفت هوش «خجاو»، از کلمه های کهن است که تا همین سده ها کم و بیش در زبان فارسی (و نیز در کردی و کرمانجی) استفاده می شده و حالا از رونق افتاده و در شرف مرگ است، اما این شانس را داشته تا در واژه «اشترخجو» فریز شود. اشترخجو، نام یک مقام موسیقی در شرق خراسان است که برگرفته از حرکت ریتمیک شتر است. پس نام واژه ها، احتمالا جای مناسبی برای پیدا کردن کلمات باستانی هستند، کلماتی که می توانیم از آن ها به عنوان «فسیل واژه» یاد کنیم. بررسی نام واژه ها به ویژه آن جایی که مسما (یعنی آن چیزی که نام گذاری شده) تاریخی و قدمت مند باشد، می تواند ما را به کشف واژه هایی برساند که احتمالا مرده اند و صرفا کالبدی از آن ها در آن نام باقی مانده است، درست مثل جانوران باستانی که در گل و لای باتلِق ها گیر افتاده اند و ما امروز از آن ها با عنوان فسیل یاد می کنیم. در مسیر این بررسی همچان انگیز اما، توجه به یک نکته ضروری است و آن اینکه نباید تصور کنیم که کلمات کهن، لزوما شکل دیگری از همین کلماتی هستند که امروزه وجود دارند. چنان که حتما راه به خطا برده ایم، اگر تصور کنیم که مثلا «غرشمال» تغییر یافته «غیر شمار» است و اشاره به کسانی دارد که در شمار نفوس شهر، نمی آمده اند؛ یا مثلا «زعران» لزوما تغییر یافته «زر پَران» است و اشاره به پراهی زرمندان دارد. به شرط حیات، در شماره بعد همین ستون درباره یکی از مهم ترین گستره ها می نویسم که جست وجو در میان نام واژه های آن گستره، می تواند ما را به یافته هایی جالب توجه برساند.



«نذر دهم» آغاز به کار کرد

اولین سوگواره عاشورایی «نذر دهم» با حمایت سازمان ادبیات و تاریخ، سازمان مشارکت های زنان دفاع مقدس و همچنین کنگره ادبیات مقاومت تهران با هدف ترویج و احیای اهداف قیام سرور و سالار شهیدان حضرت ابا عبد... حسین^ع با تمرکز بر حمایت از حق و مبارزه با باطل، از اول صفر سال ۱۴۴۴ هجری قمری (هفتم شهریورماه) آغاز به کار کرده است. محورهای این سوگواره عبارتند از: عاشورا، مقاومت منطقه ای، پیروزی جهانی

اربعین، سفر از خویشتن، مقصد جهانی رفتارهای عاشورایی در جهان امروز

علاقه مندان می توانند در سه بخش داستان کوتاه، داستان مینیمال و عکس نوشت در این سوگواره شرکت کنند.

کاغذ دوباره گران شد

هر بند کاغذ چاپ و تحریر ۷۰در ۱۰۰ گرم‌اژ ۷۰گرم به بندی یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان رسیده است و این یعنی در یک ماه گذشته قیمت کاغذ بیش از ۲۰۰ هزار تومان گران تر شده است. به گزارش «تسنیم»، قیمت هر بند کاغذ ۶۰در ۹۰ با وزن ۷۰ گرم نیز به ۷۶۰ هزار تومان رسیده است. کاغذ تحریر اندونزی نیز با اندکی کاهش به یک میلیون و ۳۰۰ تومان رسیده است. افزایش قیمت ها تنها به کاغذ تحریر اختصاص ندارد، در دیگر انواع کاغذ از جمله کاغذ روزنامه، مقوای پشت طوسی و کاغذ 4انز دیده می شود. اگرچه افزایش قیمت در این کاغذها به اندازه تحریر نبوده است. هرچند افزایش قیمت در بازار کاغذ و مقوا در هفته های گذشته امری شایع بوده است، اما به نظر می رسد با نزدیک شدن به پایان شهریورماه و آغاز سال تحصیلی، این افزایش قیمت شتاب بیشتری به خود گرفته است. در این میان بنا به گفته کارشناسان این بازار، افزایش قیمت ها ناشی از سودجویی یک شبه برخی تجار است که با برهم زدن نظم عرضه و تقاضا، قیمت ها را افزایش می دهند. با این حال به نظر می رسد رکود همچنان عضو جدایی ناپذیر بازار کاغذ و مقواست و خریداران فعلا ترجیح می دهند که خریدی از این بازار نامطمئن نداشته باشند. ناشران نیز به عنوان یکی از مهم ترین مصرف کنندگان این بازار، عمدتا از کاغذ بالک استفاده می کنند و حالا با فراخوان ثبت نام کاغذ و کاهش قیمت ها در آخرین روز هفته گذشته، بنا به اعلام خانه کتاب، استقبال خوبی داشته اند. هرچند برخی از ناشران نیز همچنان تمایل به استفاده از کاغذ بالک دارند و برای دریافت کاغذ ایرانی ثبت نام نکرده اند.

زین قدیر

علیرضا حیدری |مدرس ویراستاری

- خوشحال آمدو گفت:یه نفر پیدا کردم جون می ده واسه این کار.**
- گفتم: باید کارنامه به در بخوری داشته باشه.**
- گفت: خاطرتون جمع آدم، سابقه دار، بی است.**
- اول یکه خوردم، ولی بعد فهمیدم منظور ش، باسابقه، است.**
- واژه ها در جای خود استفاده کنیم.**

#زین_قدیر_پارسی

شاعر «پاییز بهاری است که عاشق شده است» از رمز و راز ماندگاری شعر گفت

تقدم روح بر کالبد

محبوبه عظیم زاده



رمز و راز ماندگاری یک شعر چیست؟ شعر حافظ و سعدی چه در خود دارد که هنوز نقل زبان هاست، بر سرفره سنت هایمان جا دارد و در بزنگاه های زندگی مان می شود ملجا و مأمنی برای تقالِ زدن و آرامش جُستَن و پند گرفتن و آموختن؟ چرا ما هنوز با اشتیاق فراوان شاملو می خوانیم و ابتهاج و فروغ و بعد از تکرار هزار باره آن، باز هم چنان لذت می بریم که گویی برخورد اول و مکاشفه اول رخ داده است؟ چرا هنوز «آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا»، یا «تا اشارات نظر نامه رسان من و توست، یا کمی بیاییم جلوتر، «پاییز بهاری است که عاشق شده است، را در خلوت هایمان زمزمه می کنیم؟ شاید در وهله اول، بهترین و منطقی ترین پاسخ در قبال این پرسش، این باشد که همه چیز را موکول کنیم به گذر زمان، به اینکه گذشت روزها و ماه ها و سال ها به خوبی مشخص خواهد کرد کدام شعر چه جایگاهی دارد. چقدر قلب و ذهن مردم را نشانه گرفته و جای خود را باز کرده است، اما آیا این تنها نقطه اتکاست؟ یعنی باید فقط صبر کنیم و قضاوت و داوری را بسپاریم به زمان؟ یا اکنون نیز ابزاری وجود دارد که با توسل به آن ها بتوان از کم و کیف یک اثر سخن گفت، از استانداردهایی که وجود دارد یا نه و در مجموع، آینده آن را تا حدودی پیش بینی کرد؟ این صحبت ها مشتی است از خروار صحبت هایی است که در نشست ۱۱ صبح ۱۱ شهریور در حوزه هنری خراسان رضوی، با حضور میلاد عرفان پور برگزار شد، شاعری که اغلب او را با رباعی های مشهورش می شناسند. رباعی هایی نظیر «ما سینه زدیم بی صدا باریدند/ از هر چه که دم زدیم، آن ها دیدند/ ما مدعیان صف اول بودیم/ از آخر مجلس شهدا را چیدند، یا «تلخ است که لبریز حقایق شده است/ زرد است که با درد موافق شده است/ عاشق نشدی و گرنه نه فهمیدی/ پاییز بهاری است که عاشق شده است،

- اثرگذاری یک شعر نشان از حیات آن دارد

میلاد عرفان پور، صحبت های خود را با این مقدمه شروع کرد که اصلا تعریف ما از ماندگاری شعر چه باید باشد؟ آیا فقط با تأثیرگذاری رسانه ها بر یک اثر که به دیده شدن آن در یک بازه زمانی منجر می شود، می توانیم بگوییم که آن اثر هنری ماندگار است؟ و در ادامه، چه می شود که یک اثر ماندگار می شود؟ چرا برخی آثار ماندگار، از حیث ساختمان و به لحاظ فنی، ساختار مستحکمی ندارند، اما برای مدت های مدید در اذهان مردم باقی می ماند؟ و برعکس، چرا برخی شعرها از ساختمان خوبی برخوردارند و همچنین مضمون و تصویرسازی هنرمندانه، با این حال، جایی در دل ها و زبان ها پدید نمی کنند و ماندگار نمی شوند؟ عرفان پور در پاسخ به پرسش های مطرح شده گفت: «شعر یک موجود زنده است و علت این تعریف را باید در اثرگذاری آن پیدا کرد. اثرگذاری به مثابه یک ویژگی که می تواند قلب و ذهن مخاطب را نشانه بگیرد، این ویژگی نشان از حیات شعر دارد. ضمن اینکه نباید فراموش کنیم ماندگاری لطیف دارد و می تواند نسبت های مختلفی داشته باشد،

- روح یک شعر لازمه ماندگاری آن

یکی از پرسش های ابتدایی بسیاری از علاقه مندان

به شعر یا آن هایی که در این باره طبع آزمایی می کنند این است که آیا شعر و شاعری هنری است که می توان آن را آموخت یا به طور کلی یک استعداد خدادادی و ذاتی است؟ پرسشی که شاید بخشی از پاسخ آن را بتوان با دقیق شدن در جزئیات شعر، پیدا کرد، اینکه هر شعر ظاهری دارد و به قول میلاد عرفان پور: «یک کالبد و یک روح»، اما این دو بعد چگونه در یک شعر نقش آفرینی می کند و میزان اثرگذاری آن ها بر شکل گیری یک شعر خوب چگونه است؟ عرفان پور گفت: «شعر به طور کلی دو بعد دارد: کالبد و روح. عناصری مانند واژگان، فنون ادبی و آنچه در حوزه مباحث انتسابی شعر قرار می گیرد مانند، صنایع ادبی را می توان در این حوزه قلمداد کرد، اما آنچه سبب اثرگذاری و حیات شعر می شود و در نتیجه می توانیم بگوییم که می تواند شعر را ماندگار کند، روح شعر است، مفهومی که در عین سادگی پیچیده است، البته نباید فراموش کنیم آنچه مهم است، برخورداری یک شعر درخور از هر دوی این ویژگی ها است. با این حال، شعرها بسته به



شعر چنان جایگاهی دارد که می تواند جماعت گسترده ای را رهبری کند؛ امادر عین حال، شاعر گمراه نیز ممکن است جماعتی را گمراه کند

روح و کالبدی که دارند، می تواند ضعیف و کم مایه باشد یا متعالی و قوی یا با نسبت هایی متفاوت،

- آنچه را بگوییم که به آن باور داریم

در ادامه کارگاه او با طرح این پرسش که: «چگونه این روح به شعر تزریق می شود و ماندگاری شعر را در یک گستره وسیع رقم می زند؟، از واژه «صدق» سخن به میان آورد و گفت: «صدق دو نوع دارد، در مرحله اول، مهم این است که من به عنوان شاعر از چیزی دم بزنم که واقعا به آن باور داشته باشم، نه اینکه برای خوشایند برخی موضع را تغییر داده باشم. حالا وقتی این صدق اولیه، با حقیقت منطبق باشد از صدق ثانویه نیز برخوردار می شود.» او همچنین عنوان شاعران را در ادامه، شگرددگی یا فن سالاری، تمایز تصنعی یا نقاب و ارگی، غلبه انگیزه های بیرونی به درونی، ابهام و پیچیدگی و نبود تعادل و تعامل میان سنت و نوآوری را از جمله موانعی نام برد که می تواند کالبد یک شعر را تحت تأثیر قرار دهد.

انتهای این کارگاه با پرسش و پاسخ و شعرخوانی جمعی از شاعران و علاقه مندان همراه شد.

خدمتی که ابوریحان به زبان فارسی کرد

پنجم هجری برای ساختن واژه های علمی فارسی علاوه بر واژه هایی مانند تری، خشکی، گرمی، سردی، چشیدن و بویدن، از ترکیب هایی فارسی مانند اندرون سو، تب چهارم و خون انگیز یا ترکیب کلمات فارسی و عربی مانند اجتماع بشمار کرده، اندام آلی، اندام خسیس هم استفاده کرده اند. به گفته زنده یاد دکتر معین: «ابن سینا با دانشنامه و بیرونی با التفهیم خود نهضتی در ایران پدید آوردند که دامنه تأثیر آن تا عصر حاضر کشیده شده است. با تألیف این دو کتاب، فرهنگ لغات فارسی غنی تر و ارجمندتر شد؛ زیرا این دو دانشمند از لغاتی که متداول و رایج بود و نیز از آنچه که بطون کتب مضبوط بود، گلچین کرده، در دوائر جاویدان خود به کار بردند و برای مفاهیمی نیز که لغتی در تداول یا در کتب پیشینیان نیافته بودند، لغات رایج را مجازاً به معانی جدید استعمال کردند و در صورت ضرورت، ترکیبات و اصلاحاتی از مفردات پارسی پرداختند و زبان پارسی را - تا آنجا که در آن عهد میسر بود- شایسته ادای مفاهیم علمی کردند.»

دریافت و به اروپا اعلام کرد. بیرونی پس از سال ها تحقیق و تألیف سرانجام در رجب ۴۴۰ هجری قمری در شهر غزنه دیده از جهان فرو بست. منابع: تأثیر دانش نجوم مسلمانان بر نجوم مغرب زمین، ص ۴۳-۴۵، فهرست کتب محمد بن زکریا الرازی، ج ۱، ص ۲۹ و ۳۰، حکایه آله المسماه بسدس فخری، اختراعات و اکتشافات دانشمندان اسلامی، ج ۱، ص ۲۰۸، التفهیم لاوائل صناعه الننجیم، ص ۲۸، مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۶۶۶.



ایسن کتاب را استاد دانشمند آقای جلال همایی در مقدمه تحقیقی خود بر کتاب التفهیم آورده اند و استاد فقید شادروان دکتر محمد معین نیز در خطابه خود در جشن هزاره ابوعلی سینا زیر عنوان «لغات فارسی ابن سینا و تأثیر آن در ادبیات» به ذکر برخی از لغات فارسی مشترک ابوریحان بیرونی و ابوعلی سینا پرداخته اند. «موضوع بسیار مهم آن است که در آن روزگار بی آنکه در خراسان بزرگ مراکزى همانند فرهنگستان باشد، فرزندان دانشمند ایران زمین که به زبان فارسی علاقه مند بوده اند، هر یک به تنهایی و به سهم خود و احتمالاً بدون اطلاع از کار دیگر دانشمندان ایرانی به این کار اقدام کرده اند. اختلاف بعضی از لغات و اصطلاحات علمی فارسی نیز در قرن چهارم و پنجم هجری که در آثار این نویسندگان دیده می شود گویای این ادعاست. نویسندگان ایرانی از جمله ابوریحان در قرن چهارم و

نخستین انسان شناس

را در کتاب «الصیدنه فی الطب»، هیئت ونجوم را در «قانون مسعودی» و پژوهش های حوزه جغرافیایی وی را در کتاب «تحدید نهایات الامکان» می توان مشاهده کرد. او به دلیل همین فعالیت های علمی نوین و بدیع در حوزه های مختلف، با القاب و عناوینی نظیر «پدر دین تطبیقی»، «بنیان گذار هندولوژی»، «پدر ژئودزی مدرن»- که به معنی علوم مرتبط با اندازه گیری و درک دقیق از زمین و وضعیت فضایی آن است- و «نخستین انسان شناس» که به بررسی ابعاد مختلف موضوعات مرتبط با زندگی انسان ها می پردازد، شناخته می شود. با این همه متأسفانه بیشتر آثار ابوریحان پس از درگذشتش مورد توجه قرار نگرفت تا اینکه قرن ها بعد با ترجمه آثار او در اروپا و به ویژه با آغاز فعالیت های انگلستان در شبه قاره هند، بار دیگر مطرح شد. جالب است بدانید دانش ابوریحان به حدی بوده که در یکی از آثارش نوشته است: «آفتاب، گردش شب و روز را سبب نمی شود، بلکه خود زمین که بر محور خود می گردد و با ستارگان دیگر به دور خورشید می چرخد، باعث پدید آمدن شبانه روز است.» به این ترتیب می توان اورا کاشف گردش وضعی و انتقالی زمین و نظریه گردش شب و روز شناخت. این در حالی است که ۵۰۰ سال پس از او، کپرنیکوس اروپایی، نظریه بیرونی را از لایه لای کتب نجوم اسلامی



علیرضا حیدری روزنامه نگار و عضو هیئت علمی انجمن قدردوسی

بگذارد و درباره اش چند صفحه ای بخوانید تا به عظمت شخصیت این افتخار ایران زمین بیشتر پی ببرید. از او آثار زیادی به جا مانده است که به زبان عربی، یعنی زبان علمی روزگار خود بوده است؛ مگر «التفهیم» در نجوم و هندسه و حساب که خود از آن نسخه ای به پارسی به یادگار گذاشته است. از ویژگی های این اثر فراوانی واژه های فارسی است. به گفته دکتر جلال متینی، «بر طبق اسنادی که تا به امروز در اختیار داریم، [پس از اسلام] ابوریحان بیرونی نخستین کسی است که درباره هندسه، حساب، هیئت، اسطرلاب و نیز در باب احکام نجوم که به عقیده اغلب مردم آن روزگار ثمره علوم ریاضی به شمار می آمده است، به تألیف کتابی مستقل به زبان فارسی پرداخته و با انجام این امر بر غنای فرهنگ لغات علمی فارسی نیز به حد در خور ملاحظه ای افزوده است. فهرست اهِم لغات و ترکیبات مذکور در



سینا حیدری تاریخ نگار

به مکاتبه پرداخت که متن آن در کتاب «الاسئله والاوجه» موجود است. بعد از آن در سفر به جرجان و به دلیل اینکه به دربار شمس المعالی (چهارمین پادشاه زباریان) راه یافته بود، کتاب «آثار الباقیه» خود را به نام این حاکم تألیف کرد. در بخشی دیگر از زندگانی وی مشاهده می کنیم که به دستور سلطان محمود غزنوی، ابوریحان با جمعی دیگر از علما و دانشمندان در شهر غزنی که پایتخت خاندان غزنویان بوده، گرد هم می آیند و در برخی سفرها و جنگ ها نظیر حمله به هندوستان، همراه سلطان محمود بوده و از این فرصت پیش آمده خوب استفاده کرده است، زیرا می توانسته در هر شهر و منطقه ای از دانشمندان و محققان آن دیار بهره مند شود. ناگفته نماند در همین سفر هم بود که کتاب «ماللهند» را که درباره تاریخ و فرهنگ هند است، به نگارش درآورد. اهمیت این کتاب در حدی است که پس از گذشت حدود هزار سال از تاریخ نگارش آن، همچنان به عنوان مرجعی برای مطالعات هند استفاده می شود. ابوریحان در سال ۴۲۷ هجری قمری به وقت شصت و پنج سالگی به دسته بندی تالیفاتش می پردازد و نام ۱۱۱ کتاب را فهرست می کند؛ برای مثال اطلاعات مربوط به کانی شناسی را عمدتاً در کتاب «الجماهر فی معرفه الجواهر»، داروها